



خواندنی

دانشمندان اتمی:

ترامپ، «روز قیامت» را نیم دقیقه به جلو انداخت



به گزارش جام جم آنلاین گروه دانشمندان اتمی، ساعت «روز قیامت» را که نماد نزدیکی به جنگ نابودگر اتمی است، نیم دقیقه جلو کشیدند و آن را روی دو و نیم دقیقه به نیمه شب (زمان وقوع جنگ) قرار دادند!

بولتن دانشمندان اتمی در سال ۱۹۴۵ توسط دانشمندان دانشگاه شیکاگو که به توسعه اولین سلاح‌های اتمی کمک کردند، تأسیس شد. این ساعت نمادین نیز دو سال بعد ابداع شد.

این گروه از دانشمندان که چندین دهه است بر تهدید موجودیت بشر از جانب تسلیحات اتمی تمرکز کرده‌اند، می‌گویند به چند علت از جمله روی کار آمدن ترامپ و چندین رخداد دیگر، بشریت به نابودی نزدیک‌تر شده است.

این دانشمندان هسته‌ای اعلام کردند به عقیده آن‌ها بشریت بیش از هر زمان دیگری در هفت دهه گذشته در آستانه نابودی در یک جنگ اتمی قرار دارد.

دانشمندان اتمی که چند دهه است میزبان فاصله بشر با جنگ اتمی را بررسی کرده و آن را به صورت نمادین با ساعت موسوم به «ساعت روز قیامت» نمایش می‌دهند، این ساعت را نیم دقیقه دیگر جلو کشیدند.

عقربه این ساعت با توجه به وقایع دنیا، به ساعت ۲۴ نزدیک و یا از آن دور می‌شود. حالا این ساعت تنها دو و نیم دقیقه تا نیمه‌شب، که زمان وقوع جنگ اتمی ویرانگر است، فاصله دارد.

پیش از این عقربه ساعت روی ۳ دقیقه مانده به نیمه‌شب قرار داشت.

وضعیت عقربه این ساعت در سال ۱۹۴۹ همزمان با شروع مسابقه تسلیحاتی میان بی‌سابقه است.



گفت‌وگو با امیرحسین رستمی به بهانه سالروز تولدش و حضورش در سریال لیسانسه‌ها؛ کمدی حالم را خوب می‌کند

مرور و بعد از بازخورد خوبی که دریافت کردیم، برطرف شد. **این موضوع را تا چه میزان مدیون تجربه‌تان در ایفای نقش‌های طنز و جدی می‌بینید؟**

وقتی مسعود پیش ما می‌آید که بخش درام و تلخ قصه را به‌عهده دارد و گریه می‌کند، مخاطب پس نمی‌زند، چون گریه امیرحسین رستمی را در سریال شهزاد و خنده‌هایش را در کارهای دیگرش تماشا کرده است. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های مسعود را خیلی دوست دارم که سروش صحت و ایمان صفایی برای او طراحی کرده‌اند و این که برای همه وظیفه اجتماعی تعریف می‌کند. به عنوان مثال اگر خانه ندارد و پدرزنش خانه دارد، فکر می‌کند باید پدرزنش به او خانه بدهد. یا اگر ماشین ندارد، می‌تواند بدون اجازه از ماشین دوستش استفاده کند. همین شخصیت مسعود را جذاب کرده، چراکه بچه پررو است و فکر می‌کند همه باید به او لطف کنند.

با توجه به این که این ویژگی مسعود را دوست داشتید، پیشنهادهایی برای کاراکتر دادید؟

متن کامل بود و اگر دوستی من و سروش صحت را کنار بگذاریم، ما با کارگردانی در این مجموعه طرف بودیم که دیکتاتور دم‌وکرات است. دم‌وکرات از این لحاظ که می‌شود و دیکتاتور از این نظر که همانی را که خودش می‌خواهد، انجام می‌دهد.

دیگر هیچ آرزویی ندارم. حالم خوب است، به خاطر این که بهترین بچه دنیا و همسر نازنینی دارم. سایه پدر و مادرم بالای سرم هست و وقتی می‌خندند دنیا را به من می‌دهند. وقتی پدرم را بغل می‌کنم انگار جهان را در آغوش دارم. عاشق پدر همسر هستم و یکی از بهترین مادرزاده‌های دنیا را دارم. برادرزنی دارم که آرزو دارم پسر «ارشیا» مثل او شود. دلم می‌خواهد پسر به اندازه ۹۹ درصد شبیه دایی «کیومرث» اش شود و یک درصد به من برود. بهترین خواهر دنیا را دارم که نامش «فیروزه» است. او دختر درجه یک و تحصیلکرده است. البته او را بخشیده‌ام! بچه که بودم، فکر می‌کرد به جای مادرم وظیفه‌اش تربیت کردن من است، به همین دلیل لفل در دهان من می‌ریخت، چون بزرگ‌تر بود! من بهترین شوهرخواهر و خواهرزاده دنیا را دارم. نام خواهرزاده‌ام «امیر ارشان» است. نمی‌دانم برای خواهرزاده‌ام دایی خوبی هستم یا نه، اما او را خیلی دوست دارم. خوشبختانه مردم مرا دوست دارند.

در این حرفه‌ای که هستم، هرگز کار دستوری انجام ندهادم و تترسیده‌ام از این که بخواهند مرا در کار محروم کنند. خودم را فروختم. خدا را شاکرم که در نگاه‌هایی که به پول نیاز هم داشتم، قرار داشتم، اما حاضر نشدم هر کاری انجام بدهم. معتمد مردم بهترین منتقد هستند. خدا را شکر می‌کنم که نان به نرخ روز خور نبوم و به هیچ وجه بده به چه کسی را نکردم. همیشه در دوره‌ای انتخاب پول و موقعیت دستور یا مردم، سمت مردم سرزمین ایستاده‌ام.

یعنی اجازه اظهارنظر به شما نمی‌داد؟

سروش صحت به پیشنهادها گوش می‌دهد، اما همان کاری را انجام می‌دهد که خودش فکر می‌کند درست است. البته به حرف‌های من دربارۀ بخش‌های مختلف سریال غیر از شخصیت مسعود گوش می‌دهد و موافقت هم می‌کند، اما درباره شخصیت مسعود فقط نظر خودش را اعمال می‌کند.

حالا این را دوست داشتید یا نه؟

برخی مواقع موافق با سروش صحت هستم و بعضی وقت‌ها نه. به عنوان مثال سکانسی در زندان داریم که من در بازی‌ام، بداهه داشتم و به نظرم بهترین واکنش را برای مسعود در این صحنه نشان دادم، اما سروش صحت موافقت نکرد. البته هیچ وقت در دیالوگ‌هایم بداهه ندارم، مگر آن که از قبل با نویسنده و کارگردان هماهنگ کرده باشم. یا در صحنه‌ای دیگر من دیالوگ‌های مسعود را با حرص گفتم، اما باز هم کارگردان مخالفت کرد. به هر حال کارگردان سریال این طور صلاح می‌دانند.

شما تجربه بازی در سریال‌های جدی و طنز را دارید. به کدام یک از آنها علاقه مند هستید؟

متن و کارگردان برایم اهمیت دارد. اگر هر دوی این موردها قوی باشند و یکی درام بوده و دیگری کمدی، حتما کمدی را انتخاب می‌کنم؛ چون حالم با بازی در یک کار کمدی بهتر می‌شود. ضمن این که گریه‌اندن مردم کار راحتی است و خندانند نشان سخت!

با این که در کارهای مختلف بازی می‌کنید، اما خیلی گرم تان متفاوت نیست. خودتان موافق نیستید که خیلی گرم شوید؟

نه، من به هیچ وجه در گرمی دخالت نمی‌کنم. اتفاقاً با هر کارگردان که کار کردم، همکاری‌مان به بار دوم یا سوم هم کشیده است. با حسین سهیلی‌زاده سه بار، محمدحسین لطیفی دو مرتبه، سروش صحت دو دفعه، سامان مقدم چندین بار و... همکاری داشتم.

با توجه به این که در آستانه ورود به ۴۱ سالگی هستید، چند سوال هم در این باره بپرسم. در این سن نگاهتان به زندگی چگونه است و چه آرزوهایی دارید؟

در این لحظه که جلوی شما نشستم و مصاحبه می‌کنم، برای خودم

مخاطبان تلویزیون امیرحسین رستمی را در سریال‌های مختلف همچون شمس‌العماره، نون و ریحون، وضعیت سفید، به تیکه زمین، سه پنج دو، دختران هوا، دودکش، پادری، پژمان، آخرین بازی و... دیده‌اند. او این روزها سریال تلویزیونی لیسانسه‌ها را در حال پخش از شبکه سه دارد. رستمی در این سریال نقش مسعود را بازی می‌کند که درگیر ماجراهای مختلف می‌شود. در سریال‌هایی که اخیراً از رستمی پخش شده، او هم تجربه نقش‌های جدی را داشته و هم نقش‌های طنز را. یکی از ویژگی‌های رستمی این است که خودش را محدود به نقش خاصی نمی‌کند و ترجیح می‌دهد نقش‌های متنوع باشد. در آستانه ورود این بازیگر به ۴۱ سالگی و به بهانه بازی‌اش در سریال لیسانسه‌ها در یکی از روزهای زمستانی میزبان او شدیم.

شما معمولاً در مجموعه‌های تلویزیونی ایفاگر کاراکترهای ساده، مهربان و دوست‌داشتنی هستید، اما در سریال لیسانسه‌ها نقش مسعود را بازی می‌کنید که تا حدودی شخصیتی شارلوتان است! این قالب جدید برایتان چقدر هیجان‌انگیز بود و تا چه میزان شما را نگران می‌کرد؟

بخش عمده سختی این قالب به‌عهده سروش صحت و ایمان صفایی بود. تجربه نشان داده فیلمنامه جذاب روی کاغذ خودش را نشان می‌دهد و من با خواندن پنج قسمت از فیلمنامه می‌خندیدم و متوجه شدم لیسانسه‌ها کار درجه یکی می‌شود. حتی روی کاغذ می‌توان فهمید که مخاطب عام با کدام کاراکتر ارتباط بیشتری برقرار می‌کند یا کار کدام کاراکتر راحت‌تر و سخت‌تر است. از این‌رو این قالب جدید برای خودم هم هیجان‌انگیز بود.

ضمن این که بعد از انتخاب بازیگران سریال لیسانسه‌ها متوجه شدم من باید در گروهی کار کنم که ۷۰ درصد آنها برای مخاطب عام چهره نیستند. البته همین ۷۰ درصد حتماً جزو بهترین‌ها بوده‌اند که سروش صحت آنها را انتخاب کرده بود. در مجموع من، هم نگران در آمدن کاراکتر مسعود بودم و هم این که بین آن و دیگر کاراکترها توازن وجود داشته باشد. البته ایمان داشتم که سروش صحت باهوش‌ترین و بهترین‌ها را انتخاب کرده، اما قبل از کلید خوردن نگران بودم که بعد از پخش و دیدن بازخوردهای مردمی برطرف شد.

چندی پیش نقد یکی از خبرگزاری‌ها را در سروش صحت به من نشان داد که برایم جالب بود. در این نقد تأکید شده بود امیرحسین رستمی مثل یک فوتبالیست جالفتاده و باهوش است که می‌داند در چه فرصت‌هایی باشد یا در چه موقعیت‌هایی نباشد؛ او مثل کاپیتان عمل می‌کند.

تعادل در بازی شما و دو بازیگر دیگر هوتن شکیبا و امیر کاظمی که نقش‌های محوری سریال لیسانسه‌ها را بازی می‌کنند، رعایت شده است. چطور به این تقسیم‌بندی و تعادل رسیدید؟

این مساله به طراحی سروش صحت و ایمان صفایی در فیلمنامه برمی‌گردد. همیشه تأکید کرده‌ام برای این که یک سریال آپروموند شود و نظر مخاطبان را جلب کند، باید به سه مورد توجه کرد و آن هم متن، متن و متن است و بعد از آن بازیگران و کارگردان اهمیت دارند. از ابتدا قرار شد بار کمدی و فانتری قصه به‌عهده حبیب باشد؛ درام قصه هم روی شخصیت مازیار استوار شود و مسعود هم کاپیتان گروه و در مسیر رفت و برگشت بین فانتری و درام است.

شخصیت مسعود نخ تسبیح قصه لیسانسه‌هاست. این مساله برایتان نگران‌کننده نبود؟

تکلیف کاراکترهای مازیار و حبیب مشخص بود، اما مسعود هم نخ تسبیح بود و هم این که باید بین این دو کاراکتر رفت و آمد می‌کرد، راستش در ابتدا واهمه داشتم که نخ تسبیح هستم، اما به

خواهر و برادر ممتاز

 فاطمه سعید پایه سوم دبستان آسیه با تشکر از آموزگار مربوطه سرکار خانم خاتم ارچی و مدیر محترم سرکار خانم دهستانی	 علی سعید پایه اول دبستان خیام با تشکر از آموزگار مربوطه سرکار خانم دبستانی و مدیر محترم جناب آقای آسلائی	 محمدجواد آهاری پایه اول
--	--	---------------------------------------

دانش آموزان ممتاز دبستان شهید سرکاری روستای بنه سید (بخش کنار تخته)

با تشکر از مدیر آموزگار محترم سرکار خانم هاجر بهادری و آموزگاران گرمای سرکار خانم ها هاجر سرکاری و فرشته بازدار

 گنار مرادی نیک پایه اول	 فاطمه عزیززاده پایه اول	 محمدجواد آهاری پایه اول	 هستی رضایان فرد پایه دوم	 فاطمه عطریان پایه دوم	 علی رنجبران پایه دوم	 ستایش اکبری پایه دوم	 یسنا خسروانی پایه سوم	 هدی بهادری پایه سوم	 هستی صفرزاده پایه سوم
 مریم اسلامی پایه سوم	 محمد دهداری پایه سوم	 رضا بهادری پایه سوم	 اسماعیل مرادی نیک پایه سوم	 علیرضا عزیززاده پایه چهارم	 امیرحسین عطمدار پایه چهارم	 مهسا زارع پایه چهارم	 فاطمه پوزش پایه پنجم	 امیرحسین زارع پایه پنجم	 محمد حاتمی پایه پنجم